

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال چهارم، شماره چهاردهم، بهار ۱۳۹۱

ص ص ۸۹-۱۰۸

تحلیل محتوای مجلات خانوادگی ایران از نظر فرزندسالاری بین سال‌های ۹۱ و ۹۲

شهرام اسفندیارزاده ملکی^۱

دکتر سیروس فخرایی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۸/۲۴

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۳/۳۱

چکیده

این تحقیق با استفاده از روش تحلیل محتوی به بررسی جامعه‌شناختی "فرزندسالاری در داستان‌های مجلات خانوادگی ایران، طی سال‌های ۹۱ و ۹۲" می‌پردازد. هدف کلی از انجام این تحقیق تحلیل محتوی مجلات خانوادگی از نظر فرزندسالاری بین سال‌های ۹۱ و ۹۲ و اهداف فرعی شامل بررسی رابطه بین نگرانی والدین نسبت به آینده فرزندان، اختلافات والدین، نگرش ابزاری به والدین، چشمپوشی والدین از نیازهای خود، تفاوت ارزش‌های والدین و فرزندان؛ با فرزندسالاری بوده است. در این راستا با مراجعه به مبانی نظری: نگرانی والدین نسبت به آینده فرزندان از نظریه کولی و استرایکر، اختلافات والدین از نظریه وبلن و نقش سنتی مادران از نظریه جیمز، نگرش ابزاری به والدین از نظریه استرایکر و وبلن؛ چشمپوشی والدین از نیازهای خود از نظریه وبلن، تفاوت ارزش‌های والدین و فرزندان از نظریه گروه مرجع (مرتن) به صورت مستقیم یا غیرمستقیم اخذ یا استنباط شده‌اند. تحقیق حاضر در دو بخش نظری و عملی انجام شده است. در بخش نظری، اطلاعات لازم با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و در بخش عملی، به شیوه تحلیل محتوای اطلاعات لازم از طریق مقوله‌بندی و فیش‌برداری از نمونه‌های آماری جمع‌آوری شده‌اند. طبق یافته‌های تحقیق در داستان‌های مجلات خانوادگی ایران، ابعاد فرزندسالاری، به صورت صریح یا ضمنی ترویج شده است. فرزندسالاری در این مجلات، معلول نگرانی والدین نسبت به آینده فرزندان، اختلافات والدین، نگرش ابزاری به والدین، چشمپوشی والدین از نیازهای خود، تفاوت ارزش‌های والدین و فرزندان است.

واژگان کلیدی: فرزندسالاری، مجلات خانوادگی، تحلیل محتوی، مقوله، شاخص.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی خلیخال - ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: sh.esfandyarzadeh@gmail.com

E-mail: sfakhraei@pnu.ac.ir

۲. دانشگاه پیام نور؛ گروه علوم اجتماعی، تهران ۴۶۹۷ - ۹۳۹۵ - ج - ایران.

مقدمه

بی‌تردید، خانواده و چگونگی روابط میان اعضای خانواده و کیفیت ارتباط والدین با فرزندان در شکل‌گیری شخصیت و رشد اجتماعی، عاطفی و عقلانی فرزندان نقش و اهمیت فراوانی دارد. خانواده و نفوذ والدین بر فرزندان به جنبه‌های اثری محدود نمی‌شود؛ بلکه در تمام ابعاد وجودی فرد نقش مؤثری ایفا می‌کند. کودکان از طریق محیط کوچک خانواده با دنیای خارج آشنا می‌شوند. طرز معاشرت و روابط اجتماعی با دیگران را می‌آموزند و راه رسم زندگی، اخلاق، فلسفه اجتماعی، آداب و رسوم را فرا می‌گیرند. در حال حاضر سهل‌انگاری روش مناسبی برای فرزندپروری و ارتباط صحیح والد-فرزندی نیست. لذا نیازمند شیوه جدیدی هستیم که حد فاصل دو روش افراط‌گرایی و کنترل در حد اعتدال باشد. خانواده نهادی اجتماعی است. زیرا همانند آئینه‌ای عناصر اصلی جامعه را در خود دارد و انعکاسی از سلامت یا نابسامان اجتماعی است. علاوه بر این خانواده از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر جامعه است و هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به سلامتی دست یابد مگر آن که خانواده سالمی داشته باشد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۳۶). خانواده اولین کانون در پیوند مستقیم با پرورش فرزندان است. کودکی که در آغوش خانواده متولد می‌شود با تمام نگرش‌ها و ارزش‌های والدین، برادر، خواهر و سایر بستگان آشنا می‌شود و از طریق برقراری ارتباط با این اشخاص است که قسمت اعظم فرهنگ یک ملت به کودک منتقل می‌شود. انسان‌شناسان الگوهای قدرت در خانواده را به چهار نوع تقسیم نموده‌اند:

- پدرسالاری یا پدرشاهی.

- مادرسالاری یا مادرشاهی.

- دایی‌سالاری

- فرزندسالاری (مقصودی، ۱۳۸۶: ۳).

فرزندسالاری یعنی وضعیتی که در آن فرزندان مستقیم یا غیر مستقیم محور و اساس تصمیم‌گیری‌ها، فعالیت‌ها و مجموعه امور مختلف خانواده قرار می‌گیرند و همه مسائل خانواده، به طور کلی بر اساس نیازها، خواسته‌ها و اهداف آنان استوار می‌شود (مهدوی، ۱۳۸۱: ۸۹-۸۸). در جامعه امروز ایران و به ویژه در میان اقشار تحصیل کرده و مرفه و شهری، فرزندسالاری، پدیده‌ای رواج یافته است که بچه‌ها در خانواده زیاده‌خواه، پرتوقع، بی‌ملاحظه و مخصوصاً بدون احساس مسؤلیت هستند و این امر در سنین بالاتر، یعنی از ۱۵ تا ۳۰ سالگی به مراتب جدی‌تر می‌شود. با توجه به حجم احتمالاً بالای نارضایتی از رواج این پدیده، می‌توان فرزندسالاری را یکی از مسائل اجتماعی ایران به شمار آورد. لذا می‌توان گفت که اولاً، بروز فرزندسالاری مثل بسیاری از مسائل اجتماعی دیگر ناشی از عوامل متعدد و متنوع است و ثانیاً، این مسأله، به طور مستقیم و غیرمستقیم، با نهادها و جریاناتی مرتبط است که خود متأثر از پدیده‌های جامعه‌شناختی کلان‌اند و در نگاهی سطحی قابل درک نیستند.

خانواده و مسائل مربوط به آن از جمله مقولاتی هستند که در طول تاریخ دستخوش تحولات عظیمی در عرصه‌های مختلف از جمله ابعاد، نقش و کارکرد شده‌اند؛ چنانچه امروز بخش گسترده‌ای از وظایف و نقش‌های خانواده به عهده نهادها و سازمان‌های دیگر گذاشته شده است. از جمله دستاوردهای تحولات فوق و جابجایی نقش‌های خانواده پیدایش وضعیت جدیدی است که در آن، فرزندان محور اصلی فعالیت‌ها و مسائل خانواده قرار گرفته‌اند. امروزه شیوه‌های تربیتی فرزندان نسبت به گذشته تغییر زیادی کرده است. در حال حاضر، والدین انتظار ندارند فرزندشان چشم و گوش بسته از دستورهای آنان اطاعت کند و برای به کرسی نشاندن عقاید و نظرات خود، دیگر به تنبیه و توبیخ متوسل نمی‌شوند، بلکه از ترس این‌که بچه‌ها عقده‌ای نشوند، آنان را در انجام بسیاری از کارها آزاد می‌گذارند و گاهی در این راه به حدی دچار افراط می‌شوند که فرزندان از نرمش و ملاحظت آنان سوء استفاده می‌کنند و فرزندسالاری بر خانواده حاکم می‌شود (مهدوی، ۱۳۷۴: ۴۶). آژانس‌ها یا عوامل مختلفی در اشاعه پدیده فرزندسالاری در جامعه ایرانی موثرند که وسایل ارتباط جمعی یکی از این عوامل است. وحدت و همدلی اعضای خانواده، بر اثر استفاده بیش از حد از رسانه‌ها، به سبب کاهش روابط و کم شدن زمان گفت و گو، کمرنگ و آسیب‌پذیر شده است. بر اثر افزایش دامنه فعالیت رسانه‌های جمعی، به ویژه تلویزیون و مطبوعات، و جذابیت برنامه‌های آن‌ها برای جوانان و مخاطب قرار گرفتن آن‌ها از جانب اکثر تولیدکنندگان برنامه‌ها، چنین به نظر می‌رسد که جوانان ارزش‌های مصرف‌گرایی و زیاده‌خواهی و بسیاری ارزش‌های کاذب دیگر، نظیر رسیدن به ثروت و شهرت در کوتاه مدت، را از این رسانه‌ها کسب کرده‌اند و چون هجوم این رسانه‌ها اجتناب‌ناپذیر است، پس تأثیر آن‌ها نیز گریزناپذیر است. در میان این رسانه‌ها، مطبوعات و به ویژه مجلات خانوادگی نیز به نوبه خود توجه مردم را به خود جلب کرده است. اعضای خانواده مدرن، غرق در انبوه اطلاعات است و رسانه‌ها با وارد کردن حجم وسیعی از اطلاعات به خانه‌ها، افراد را مستعد پذیرش ارزش‌های مورد نظر خویش می‌سازند و یکی از این ارزش‌ها فرزندسالاری است (بافکار، ۱۳۹۱: ۱۲). به همین علت، در این تحقیق به بررسی و تحلیل محتوای مجلات خانوادگی که طی سال‌های ۹۱ و ۹۲ در داستان‌های‌شان به صورت آشکار یا نهان مسئله فرزندسالاری را ترویج می‌کنند، خواهیم پرداخت.

جامعه ما نیز به مانند بسیاری از جوامع دیگر، دستخوش تحولات و دگرگونی‌های عمیقی شده است. این تحولات با پیروزی انقلاب اسلامی بارزتر و چشمگیرتر شدند. به این معنی که کل نظام اجتماعی دستخوش تحول و دگرگونی شد و به تبع آن نظام اقتصادی، فرهنگی و سیاسی عمیقاً تغییر یافت. این تحولات، نظام ارزشی و تربیتی را هم تغییر داد. از این رو، روابط درونی خانواده (نگرش اعضای خانواده به یکدیگر و مسائل اجتماعی و مناسبات میان اعضا) تغییرات فاحشی داشته که شناخت این تغییرات و منشأ آن‌ها بسیار حائز اهمیت است. این تحقیق به پدیده فرزندسالاری در قرن حاضر می‌پردازد. مسئله‌ای که متأسفانه همه‌گیر شده است و دیگر کمتر خانواده‌ای را می‌توان یافت که از این معضل رها باشد.

هدف کلی که در این تحقیق به دنبال آن هستیم "تحلیل محتوی مجلات خانوادگی از نظر فرزندسالاری بین سال‌های ۹۱ و ۹۲" و اهداف جزئی این مقاله: بررسی رابطه بین نگرانی والدین نسبت به آینده فرزندان و فرزندسالاری، بررسی رابطه بین اختلافات والدین و فرزندسالاری، بررسی رابطه بین نگرش ابزاری به والدین و فرزندسالاری، بررسی رابطه بین چشمپوشی والدین از نیازهای خود و فرزندسالاری می‌باشد.

نظریه‌هایی که در این مقاله از آن‌ها استفاده نمودیم نظریه کنش متقابل، نظریه خود آینه‌سان، گروه مرجع و نظریه نقش سنتی مادران می‌باشد. نظریه کنش متقابل مبتنی است بر یک اصل طبیعی و آن این است که: "انسان موجودی است اجتماعی". یعنی ناگزیر از زندگی دسته جمعی است، و بین انسان‌هایی که به طور دسته‌جمعی زندگی می‌کنند قطعاً روابط و مناسباتی وجود دارد. جامعه‌شناسان به این روابط و مناسبات که همیشه وجود دارند، "کنش متقابل" می‌گویند. یکی از فرایندهای حیاتی در کنش متقابل، اجتماعی شدن است. منظور از اجتماعی شدن آن است که افراد یاد بگیرند چگونه در موقعیت‌های متفاوت رفتار کنند که رفتارشان با نرَم‌های اجتماعی مطابقت داشته باشد و نابهنجار تلقی نشود. فرد در موقعیت‌های متفاوت رفتار متفاوتی از خود نشان می‌دهد. او وقتی در مقابل فرزند خود قرار می‌گیرد به عنوان یک پدر طرز رفتار خاصی دارد و وقتی به عنوان یک فرزند در مقابل والدین خود قرار بگیرد طرز برخورد دیگری دارد. نظریه کنش متقابل چگونگی این برخوردها و مناسبات را تعیین می‌کند و به فرد می‌گوید که در فلان شرایط چگونه باید رفتار کند. انسان‌ها این توانایی ذهنی را دارند که پیوسته خود را با یکدیگر و موقعیت موجود تطبیق دهند و به این ترتیب معنای یک ارزش یا هنجار خاص را دریابند. حال فرایند تطبیق معانی و ارزش‌ها را در روابط و مناسبات خانواده در نظر می‌گیریم. اگر انعطاف‌پذیری مقولات ذهنی و فرایند تطبیق معانی از طرف والدین باشد، یک جریان یک‌سویه حاصل خواهد شد که در آن فرزندان شکل دهنده معانی و مقولات ذهنی والدین خواهند بود. به این ترتیب، می‌بینیم که امروزه در فرایند شکل دادن معانی، فرزندان بیشتر فاعل هستند و والدین مفعول. به این معنی که امروزه فرزندان بیشتر از گذشته بر ارزش‌ها، هنجارها و الگوها و معیارهای ذهنی والدین تأثیر می‌گذارند و کمتر از سابق از ارزش‌های آنان الگو می‌پذیرند (ریتزر، ۱۳۷۴: ۳۲۹-۳۲۵).

منظور چارلز هورتن کولی از نظریه "خود آینه‌سان" همان ظرفیتی است که انسان دارد تا خود خویش را به گونه‌ای بنگرد که هر پدیده‌ی اجتماعی دیگر را می‌بیند. این مفهوم را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

- این تصور که در ذهن دیگران چگونه ظاهر می‌شویم.
- این تصور که آن‌ها درباره ظاهر ما چه قضاوتی می‌توانند داشته باشند.
- این که در نتیجه تصویری که از قضاوت دیگران درباره خود داریم، احساسی از غرور یا سرافکندگی را درباره خویش می‌پرورانیم (همان: ۳۳۸).

بنابراین، هرگاه فرزندان در فرایند کنش‌های متقابل، احساس کنند که والدین و به طور کلی دیگران، جایگاهی بیش از حد لازم برای آنان قائلند، آن‌گاه بر اساس آن نوع تصویری که دیگران از آنان به دست می‌دهند، عمل خواهند کرد. درمناسبات بین افراد همیشه کسانی هستند که هنجارفرست هستند؛ طرزلباس پوشیدن، تکیه‌کلام‌ها و عقاید این افراد روی بقیه تأثیر دارد؛ مثل هنرپیشه‌های بنام، ورزشکاران یا بعضی دوستان. این افراد توانایی آن را دارند که رفتارهای خود را برای دیگران الگوی رفتاری کنند. استرایکر نیز که از نظریه‌پردازان کنش متقابل است، می‌افزاید که انسان‌ها از طریق کنش متقابل یاد می‌گیرند که دیگران انتظار چه نوع رفتاری از آنان را دارند. تصویری که دیگران از فرد به او می‌دهند، بر کنش‌های او تأثیر می‌گذارد. هرگاه فرزندان طی فرایندهای کنش متقابل احساس کنند والدین جایگاهی بیش از پیش برای آنان قائلند، براساس همان نوع تصویر که به او می‌دهند عمل خواهند کرد (آرون، ۱۳۷۲: ۸۶-۸۲). ویلفردو پارتو در طبقه‌بندی عواطف دو دسته عواطف را مطرح می‌کند: خویش‌پرست و جامعه‌پذیری.

سازش و اعتدال میان عواطف خویش‌پرستانه و خیر مشترک، نفع جمعی یا رفاه عامه، لازمه حفظ حیات اجتماعی است. فرد اصولاً مایل به ارضای نیازهای خود است و لذت را مورد توجه قرار می‌دهد. لذا اگر نظارت و کنترلی بر رفتار فرد نباشد، یا برعکس، کنش‌های متقابل اجتماعی به گونه‌ای باشند که فرد را در توجه بیشتر به امیال و لذات ترغیب کنند، یا آن‌ها را برای او مشروع جلوه‌گر نمایند، بدیهی است که تعادل لازم میان این عواطف از دست می‌رود و با نوعی خویش‌پرستی جایگزین می‌شود. زیمل در بحث درباره فرهنگ نوین آورده است: تعداد حلقه‌های تعلقات خانوادگی فرد نوین، از تعداد حلقه‌های فعالیت‌های شغلی و مذهبی او جدایند. به این معنا که هر فرد در شبکه‌ای از حلقه‌های به هم متصل زندگی می‌کند. روابط او با گروه‌های مختلف، او را به آنان پیوند می‌دهد. در گذشته این حلقه‌ها برای هر فرد فقط به یک نوع محدود می‌شد و آن نوع هم حلقه‌های خویشاوندی بود. فرد بین خویشاوندان بزرگ می‌شد، نزد پدرحرفه‌ای او را می‌آموخت و کار آباء و اجدادی خود را پیش می‌گرفت. یعنی همکار و دوست و آشنای او خویشان او بودند، و در نهایت بین خویشاوندان خود ازدواج می‌کرد. امروزه، با گذشت زمان، حلقه‌های فعالیت‌های فرد در گروه‌های دیگر (مدرسه، دانشگاه و...) نیز منشعب شده است، و وابستگی چندگانه به انواع حلقه‌های اجتماعی به خودآگاهی بیشتر فرد منجر شده است. همین که فرد از حلقه کوچکی که شخصیتش را در چهارچوب محدوده‌هایش اسیر کرده است رهایی می‌یابد، یک نوع رهایی را درک می‌کند. انشعاب حلقه‌های تعلق گروهی، یک نوع احساس یاری شدن و آزادی را بیدار می‌سازد. وجود شبکه حلقه‌های اجتماعی، پیش شرط پیدایش فردگرایی است (کوزر، ۱۳۶۸: ۲۶۴-۲۶۳).

درجهان نوین، صورت‌های فرماندهی و فرمانبری نیز خصلت تازه‌ای به خود می‌گیرند. در این‌جا دیگر هیچ فردی تحت چیرگی تام دیگران در نمی‌آید. فرزندان با عضویت و پیوستن به گروه‌های متعدد دیگر، و بالا رفتن آگاهی‌های‌شان، از حلقه‌ی خانواده و والدین و تسلط آن قدری رهایی می‌یابند. این‌جاست که نقش حلقه‌های دیگر در چگونگی کنش‌ها و شکل دادن مناسبات از اهمیت برخوردار می‌شود. تورشتاین

وبلن که به بحث کالبدشکافی عادات فکری و شیوه‌های رفتار حاکم بر روابط کنشگران اجتماعی می‌پردازد، در مورد سرچشمه‌های اجتماعی رقابت در امور بشری می‌گوید: "حرمت نفس" همان بازتاب حرمتی است که دیگران برای انسان قائل می‌شوند. از این رو، اگر فرد به خاطر عدم توفیق در رقابت‌های مورد پسند جامعه، چنین حرمتی را به دست نیاورد، از فقدان حرمت نفس رنج خواهد برد. وبلن ریشه انگیزه‌ی تلاش وقفه‌ناپذیر در یک فرهنگ رقابت‌آمیز را، هراس فرد در از دست دادن حرمت نفس می‌داند. اگر فرد از سطح استاندارد لیاقت یا مالکیت‌های مادی پذیرفته‌شده در جامعه خود کم بیاورد، در چشم اعضای دیگر اجتماع احترامش را از دست می‌دهد و در احترام به خودش نیز دچار کمبود می‌شود، زیرا مبنای معمولی احترام به نفس، همان احترامی است که دیگران برای او قائل می‌شوند. بدین ترتیب، هرگاه که تملک دارایی مبنای حرمت همگانی می‌شود، ثروت رضایت‌خاطری برای دارنده آن ایجاد می‌کند که همان احترام به نفس خوانده می‌شود. در یک فرهنگ رقابتی که انسان‌ها ارزش خود را در مقایسه با ارزش دیگران می‌سنجند، هر کس پیوسته در تلاش است که از دیگران پیشی بگیرد تا از نظر ارزش مند بودن از دیگران کم نیاورد و تب چشم و هم‌چشمی همگان را فرا می‌گیرد. به نظر وبلن مصرف چشمگیر، تن‌آسایی چشمگیر و نمایش چشمگیر و وجود مقام‌ها، ارزش‌ها و وسایلی که عنوان بلندپایگی را با خود دارند، وسایلی هستند که انسان‌ها با آن‌ها می‌کوشند تا در چشم اطرافیان شان برتر جلوه کنند و در ضمن برای خودشان نیز ارزش بیشتری قائل می‌شوند (همان: ۳۶۲). تلاش انسان برای رهایی از محرومیت، بر چگونگی شکل‌گیری معانی و مناسبات و روابط (کنش متقابل) تأثیر قابل توجهی می‌گذارد. وقتی یک رفتار یا طرز تفکر تبدیل به ارزش شود، افراد برای دستیابی به این ارزش جدید حاضرند هزینه‌های متفاوتی را متحمل شوند و حتی دست به تغییرات اساسی در خانواده (ساختاری و نقشی) بزنند. مثلاً در گذشته فرزند و مخصوصاً پسر به منزله نان‌آور بود، چه کشاورز و دامدار و چه کاسب. پسرها از بچگی نزد پدر کار می‌کردند و اصولاً این‌که بچه‌ای برای خانواده خود خرج داشته باشد، پذیرفته نبود. از نظر همه، بچه نیروی کار خانواده بود و بچه‌ای خوب بود که بیشتر کار کند. اما امروزه والدین حاضرند برای این‌که فرزندان‌شان ادامه تحصیل دهند، فشار مالی زیادی را متحمل شوند و مادر در خارج از منزل مشغول به کار شود تا از هزینه کلاس زبان بچه‌ها گرفته تا دیگر هزینه‌های بالای کلاس‌های کنکور آنان تأمین شود و در صورت امکان، او را به خارج بفرستند.

بین گروه‌هایی که شخص به آن‌ها تعلق دارد، برخی مهم‌تر از دیگر گروه‌ها هستند. این‌ها گروه‌هایی هستند که فرد هویت خود را بر اساس آن گروه تعریف می‌کند و معیارهای رفتاری خود را از آن گروه اخذ می‌کند، و به اعتبار همین تعریف است که پنداشت از خود در افراد شکل می‌گیرد. گروه‌های مرجع آن‌هایی هستند که فرد معیارهای آن‌ها را به عنوان مبنای نیت مهم زندگی‌اش ارزیابی کند (جابری، ۱۳۷۵: ۱۳). از نظر میرتن، انسان‌ها معیارهای دیگران مهم را به منزله مبنای ارزیابی از خود به کار می‌برند. یعنی چنان‌چه خانواده کارکرد کمتری در اجتماع داشته باشد، گروه همسالان نیرومندتر می‌شود و جای خانواده را پر

می‌کند(همان: ۱۴). به بیان دیگر، هر گاه و به هر نسبت فرد گروه مرجع و دیگران مهم خارج از خانواده داشته باشد و در عین حال خانواده کارکرد خود را حفظ کند، حلقه اتصال و پیوستگی میان فرد با خانواده سست‌تر و با دیگر گروه‌ها محکم‌تر می‌شود. در این خصوص باید گفت: والدینی در اجتماعی کردن موفق بوده‌اند که فرزندان هم جهت با ارزش‌های خود تربیت کرده باشند. در صورت عدم موفقیت والدین، می‌توان گفت که فرزندان آن‌ها در جریان نسل‌ها به جایی رسیده‌اند که با ارزش‌های آنان همسو نبوده است. در خصوص گروه مرجع و دیگران مهم، به نکته دیگری می‌توان اشاره کرد. افراد حساس هنگامی احساس ارزش‌مندی می‌کنند که ارزیابی دیگران از آنان مثبت باشد، یعنی انعکاس ارزیابی دیگران، احساس ارزش‌مند بودن را در آنان بیافریند. مثلاً اگر دیگران یک جایگاه بالای اجتماعی (مثلاً مدیرکل یک وزارتخانه) را در حد توان و لیاقت او ارزیابی کنند، بر اساس ارزیابی مذکور، او نیز ارزیابی مثبت از خود را توسعه خواهد داد و بدین‌گونه شخص متقاعد می‌شود که او واقعاً سزاوار کسب آن موضع اجتماعی مساعد بوده است و آن را حق خود می‌پندارد.

بر اساس نظریه نقش سنتی مادران، هر چقدر مادران وقت بیشتری در منزل به سر ببرند، بر آینده فرزندان تأثیر بیشتری خواهند داشت. هم‌چنین میزان رابطه اجتماعی والدین با کودک، به ویژه مادر، در جهت‌گیری ارزشی آن‌ها مؤثر است. بدین ترتیب، مادران شاغل تأثیر کمتری بر فرزندان خود دارند. به عبارت دیگر، هنگامی که مادر با عدم حضور خود در منزل نقش خود را در فرآیند اجتماع‌پذیری فرزندان از دست می‌دهد، عاملان دیگر این نقش را ایفا می‌کنند و کارکرد خود را دارند. از این رو، هرچه والدین و فرزندان وقت بیشتری را در برقراری رابطه اجتماعی و صحبت با یکدیگر صرف کنند، نفوذ خانواده بر کودک بیشتر می‌شود و والدین قابلیت کنترل بیشتری بر نفوذ خود پیدا می‌کنند. از این نظر، مادرانی که در خارج از منزل کار می‌کنند، نفوذ کمتری بر کودکان خود دارند، زیرا کودک به ویژه در دوره رو به جوانی نیاز بیشتری به ارتباط با والدین خود دارد و این در حالی است که مادر خارج از منزل در بازار کار مشارکت دارد. گروهی دیگر از صاحب‌نظران آورده‌اند که مشارکت بیشتر مادران در بازار کار، به منزله وقت کمتر برای حضور در منزل، به معنای بی‌ثباتی بیشتر در جامعه‌پذیری کودکان است(همان: ۱۹-۱۷). اگر فرزندان به اولیای‌شان احساس نزدیکی نکنند، اگر والدین قادر نباشند که بر کار بچه‌ها نظارت داشته باشند، نفوذ والدین تحلیل خواهد رفت. والدینی که ساعت‌ها بیرون منزل به سر می‌برند، وقت کمتری را صرف فرزندان می‌کنند و اقتدارشان در منزل و تسلطشان بر فرزندان زیر سؤال می‌رود.

کودکان نازپرورده مردمانی می‌شوند مستبد و خودرأی، با حس اجتماعی پرورش نیافته و رشدنکرده. این افراد انتظار دارند که اجتماع خود را با خواهش‌های خودپسندانه آن‌ها موافق کند و سازش دهد. بدیهی است فردی که در دوران جامعه‌پذیری و در خانواده، پیوسته نیازهایش ارضا شده باشد، چنین تصور و انتظار دارد که والدین نیز آن‌طور که او می‌خواهد باشند و به تعبیر دیگر، ابزاری در جهت تأمین منافع او باشند. نکته دیگری که باید در خصوص تعلیم و تربیت به آن اشاره کرد این است که "آ. ساپتکو" معتقد

است: کودک خانواده بهتر است منحصر به فرد نباشد، چرا که خیلی زود مرکز توجه خانواده می‌شود. در خانواده‌ای که چند کودک وجود دارند، محبت به طور مساوی بین همه تقسیم می‌شود. در خانواده‌هایی که تعداد فرزندان زیاد است طفل از همان سنین کودکی به تعاون اجتماعی خو می‌گیرد (محسنی، ۱۳۷۹: ۱۲). اگر رابطه دوستانه‌ی والدین با فرزندان از حدود خود خارج شود، عمل تربیت دچار نقصان می‌گردد. بدین ترتیب، کودکان شروع به تربیت کردن والدین می‌کنند و دیگر صحبتی از اطاعت و حرف شنوی در بین نخواهد بود. اگر فرزند عادت کند که خواسته‌ها و احتیاجات خود را ارضا نماید و توجهی به خواسته‌ها و احتیاجات سایر اعضای خانواده نداشته باشد موجودی تکرو بار خواهد آمد (همان: ۵۵). والدینی که به بهانه معنی بخشیدن به زندگی خود یا حفظ سعادت خانوادگی هیچ چیز را از فرزندان خویش دریغ نمی‌کنند از ترس آزردن فرزند و از دست دادن محبت وی حتی حکومت خانه را به آنان می‌سپارند، باعث می‌شوند که این قبیل کودکان با علم به تشنگی والدین به محبت کردن پیوسته، از این عطش، سوء استفاده کنند و به صورت ستمگران مستبدی درآیند که همه افراد خانواده باید غلام حلقه به گوش آنان شوند (حییم، ۱۳۷۴: ۱۲۹).

در سال ۱۹۸۳، تحقیقی با عنوان "آیا فرزندان خیلی زودتر به مفهوم خود دست پیدا می‌کنند؟" توسط وایت، اشپایزمن و کاستوس انجام گرفته است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که، دست‌یابی به مفهوم "خود" برای فرزندان، ۲ تا ۳ سال زودتر در مقایسه با نسل قبل حاصل می‌شود و خود این دست‌یابی به مفهوم خود، معلول جدایی و استقلال زودتر و زود هنگام‌تر فرزندان از والدین است. این تحقیق بیش از آن که جامعه‌شناختی باشد، روان‌شناختی است. اما چون به روش کیفی انجام یافته است نتایجش قابلیت اعتماد بالایی دارد.

در تحقیق دیگری که در سال ۱۹۸۴ توسط باکسر صورت پذیرفته، آمده است، درگیری والدین باعث می‌شود که بچه‌ها زودتر جدا شوند و این جدایی بهره‌مندی به نام استقلال دارد، اما بدون تبعات منفی برای فرزندان نیست و این امکان وجود دارد که رشد عاطفی آن‌ها را با اشکالاتی مواجه کند. امروزه این شیوه تربیتی، یعنی شیوه تربیتی "فرزندمدارانه" و "کودک‌مدارانه" بیشتر در بین اقشار متوسط معمول شده است. امروزه فرزندان می‌توانند از طریق بحث و گفت و گو نیازهای خود را ابراز کنند و به خواسته‌های خود نزد والدین مشروعیت و مقبولیت ببخشند.

گینزبرگ در تحقیقی با عنوان "ارزش‌ها و ایده‌آل‌های جوانان امریکایی" اظهار می‌دارد: والدین تحمل زیادی در برابر خواسته‌ها و تمایلات فرزندان از خود نشان می‌دهند؛ به این معنا که اجازه می‌دهند فرزندان شان با آزادی کامل حرف‌های دل خودشان را بیان کنند. یکی دیگر از مشخصه‌های خانواده‌های فرزندمدار به نظر گینزبرگ این است که نوع تنبیهات به کلی تغییر یافته و به جای تنبیه بدنی سعی شده است که با نرمی و آرامش و حوصله صحبت شود و آن‌ها را به وجدان و باطن خودشان ارجاع دهند و از آن‌ها بخواهند که خودشان درباره این موضوع بیندیشند و سعی کنند که راه صحیح و درست را برگزینند.

به طور کلی، می‌توان گفت که امروزه الگوهای تربیتی سنتی که رکن اصلی‌اش تربیت استبدادی و نظام تربیتی مستبدانه بود و اطاعت و فرودستی را از بچه‌ها طلب می‌کرد، به کلی دگرگون شده و جایش را به شیوه تربیتی مدرن داده است.

ایران‌منش و مصطفوی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان "رابطه فرزندسالاری با آسیب‌های اجتماعی" فرزندسالاری را پدیده نوینی تعریف کرده‌اند که آثار و تبعاتی خطرناک دارد و متأسفانه امروزه صدا و سیما، رسانه‌ها، مسئولین، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، اساتید و صاحب‌نظران از آثار آن غافل مانده‌اند و این پدیده‌ای است که در جامعه امروزی ما رایج و عادی شده است و روز به روز بدتر می‌شود. پدیده فرزندسالاری را چنین می‌توان تعریف کرد که خانواده‌ها فرزندان را کمتر درگیر مسئولیت‌ها و سختی‌های زندگی می‌کنند و سطح رفاه آنان را تا آن‌جا که توانسته‌اند بالا برده‌اند.

امیرحسین محمدپناه (۱۳۸۷) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان "تحلیل جامعه‌شناختی فرزندسالاری در جوامع شهری" نتیجه‌گیری می‌کند والدین، انتظارات، توقعات و خواسته‌های به حق و حتی نابجای فرزندان را به سهولت فراهم می‌نمایند و فرزندان در طول مدت زندگی خود با خانواده، بدون هرگونه دغدغه و سختی و قبول مسئولیت، کار و تلاش بزرگ می‌شوند و ارتباط کمتری با جامعه دارند و این روش‌ها پدیده خطرناک فرزندسالاری را ایجاد کرده است و باعث رواج روز به روز آن می‌شود. فرزندان این خانواده‌ها خصوصیات مشترکی دارند، از جمله: لوس بودن، خودخواهی، نامحاط بودن و خواسته‌های بی‌شمار که باید برآورده شود. آن‌ها بسیار بی‌حوصله و ناشکیبا هستند و برای حل مشکل خود از راه خشونت وارد می‌شوند و ناکامی خود را درباره اهداف خود پذیرا نمی‌باشند.

فرزندسالاری در این پژوهش با نمود صریح یا ضمنی مقوله‌هایی: ۱. نگرانی والدین نسبت به آینده فرزندان ۲. نقش فرزندان در هدایت اختلافات والدین ۳. نگرش ابزاری فرزندان به والدین ۴. چشمپوشی والدین از نیازهای خود جهت برآورده کردن نیازهای فرزندان ۵. ارجحیت جایگاه فرزندان بر والدین در خانواده‌های هسته‌ای و ارجحیت جایگاه فرزندان بر والدین در خانواده‌های دموکراتیک، در داستان‌های مجلات خانوادگی منتشر شده در داخل ایران بین سال‌های ۹۱ و ۹۲ تعریف می‌شود.

نگرانی والدین نسبت به آینده فرزندان: این مقوله در این پژوهش با شاخص‌های: ۱. ثبت نام فرزندان در کلاس‌های تقویتی و فوق برنامه ۲. اعزام فرزندان به خارج از کشور جهت ادامه تحصیل ۳. افتتاح حساب پس‌انداز و تقویت مستمر آن به نام فرزندان ۴. زندگی بدون علاقه با یکدیگر صرفاً به خاطر داشتن فرزند، در داستان‌های مجلات خانوادگی منتشر شده در داخل ایران بین سال‌های ۹۱ و ۹۲ تعریف می‌شود.

هدایت اختلافات والدین: این مقوله در این پژوهش با شاخص‌هایی: ۱. نقش میانجی‌گری فرزندان در اختلافات والدین و ۲. جانب‌داری فرزند یا فرزندان از یکی از والدین و برتری ائتلاف ایشان در اختلافات

والدین، در داستان‌های مجلات خانوادگی منتشر شده در داخل ایران بین سال‌های ۹۱ و ۹۲ تعریف می‌شود.

نگرش ابزاری به والدین: این مقوله در این پژوهش با شاخص‌های: ۱. موظف دانستن والدین به ویژه پدر از سوی فرزندان به تامین پول توجیبی کافی ۲. موظف دانستن والدین به ویژه پدر از سوی فرزندان به تامین مخارج تحصیل ۳. موظف دانستن والدین به ویژه پدر از سوی فرزندان به تامین جهیزیه و مسکن و ۴. موظف دانستن والدین به ویژه پدر از سوی فرزندان به تامین ارثیه کافی، در داستان‌های مجلات خانوادگی منتشر شده در داخل ایران بین سال‌های ۹۱ و ۹۲ تعریف می‌شود.

چشمپوشی والدین از نیازهای خود: این مقوله در این پژوهش با شاخص‌های: ۱. ارجحیت تامین پوشاک مناسب و به روز برای فرزندان نسبت به خودشان ۲. ارجحیت تامین امکانات الکترونیکی (کامپیوتر، موبایل و ...) برای فرزندان نسبت به خودشان ۳. ارجحیت تامین امکانات ادامه تحصیل برای فرزندان نسبت به خودشان ۴. ارجحیت تامین سلامت جسمی و روانی برای فرزندان نسبت به خودشان، در داستان‌های مجلات خانوادگی منتشر شده در داخل ایران بین سال‌های ۹۱ و ۹۲ تعریف می‌شود.

تفاوت ارزش‌های والدین و فرزندان: این مقوله در این پژوهش با شاخص‌های: ۱. ارجحیت ارزش‌های مورد نظر فرزندان در ارزش‌های درون خانواده نسبت به خودشان و ۲. ارجحیت ارزش‌های فرزندان در مسائل اجتماعی نسبت به خودشان، در داستان‌های مجلات خانوادگی منتشر شده در داخل ایران بین سال‌های ۹۱ و ۹۲ تعریف می‌شود.

ابزار روش

تحقیق حاضر در دو بخش نظری و عملی انجام شده است. در بخش نظری، اطلاعات لازم با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری شده‌اند. و در بخش عملی، به شیوه تحلیل محتوا اطلاعات لازم از طریق مقوله‌بندی و فیش‌برداری از نمونه‌های آماری (مجلات خانوادگی منتخب) جمع‌آوری شده‌اند؛ و بر اساس آن‌ها به بررسی تاثیر متغیرها بر حسب مورد پرداخته شده و تجزیه و تحلیل اطلاعات صورت گرفته است. جامعه آماری این تحقیق مجلات خانوادگی منتشر شده در داخل ایران بین سال‌های ۹۱ و ۹۲ می‌باشد. جمعیت جامعه آماری این تحقیق ۲۶ مجله می‌باشد. از آن‌جا که بررسی تمامی جامعه آماری امکان‌پذیر نمی‌باشد ناگزیر از گزینش تعدادی از مجلات به عنوان نمونه می‌باشیم تا بتوان آن را در محدوده‌ای قابل مطالعه بررسی کرد. در این ارتباط با استفاده از فرمول "حجم نمونه کوکران" حجم نهایی نمونه که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفت ۴ مجله می‌باشد. روش نمونه‌گیری این مقاله، نمونه‌گیری تصادفی ساده می‌باشد. مجلات را از شماره ۱ تا ۲۶ شماره‌گذاری نموده و با انتخاب تصادفی ۴ مورد را انتخاب نموده ایم. در چهار مجله مذکور (مجله خانواده، خانواده سبز، راه زندگی و زندگی ایده‌آل) طی سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ در مجموع در ۱۸۲ شماره، ۳۲۱ داستان خانوادگی وجود داشت. از این ۳۲۱

داستان، ۲۵۲ داستان به رابطه فرزندان و والدین مربوط می‌شود. از این تعداد نیز ۲۰۴ داستان نشان دهنده رابطه‌ای سالارانه (والدین سالاری یا فرزندسالاری) است. در نهایت از ۲۰۴ داستان نیز ۱۴۸ داستان در محتوای خود مقوله‌ها و شاخص‌هایی از فرزندسالاری دارند.

برای اعتبار و روایی تحلیل محتوا از متخصصان علوم اجتماعی نظرخواهی شد و بعد از محاسبه ضریب روایی، کار تحلیل محتوا با روایی بالا (۹۵٪) با شاخص‌های مورد نظر صورت گرفت. اعتبار ابزار این آزمون از نوع اعتبار صوری است. واحد تحلیل در این تحقیق عبارت است از داستان‌های مجلات خانوادگی ایران طی سال‌های ۹۱ و ۹۲ شمسی که مقوله‌ها (شاخص‌های) فرزندسالاری را می‌توان از آن‌ها استنباط و تحلیل نمود. در این تحقیق برای استخراج اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن‌ها از برنامه SPSS استفاده شده است.

یافته‌ها

فراوانی‌های هرمقوله و شاخص‌هایش در دو جدول ارائه شده‌اند: یک جدول (جدول نمود صریح) نشان دهنده این است که هریک از شاخص‌های آن مقوله چند بار به صورت مستقیم و صریح در داستان‌های خانوادگی هریک از مجلات تکرار شده‌اند. جدول دیگر (جدول نمود ضمنی) نشان دهنده این است که هریک از شاخص‌های آن مقوله چند بار به صورت غیرمستقیم و ضمنی (با استنباط و تحلیل خواننده) از داستان‌های خانوادگی هریک از مجلات قابل استنباط است.

جدول شماره (۱): نمود صریح شاخص‌های مقوله نگرانی والدین نسبت به آینده فرزندان در داستان‌های مجلات خانوادگی

شاخصه‌های مقوله ۱ فرزندسالاری (نگرانی والدین نسبت به آینده فرزندان)	فراوانی	مجله خانواده	خانواده سبز	راه زندگی	زندگی ایده‌آل	کل
ثبت نام فرزندان در کلاس‌های تقویتی و فوق برنامه	تعداد	۳	۳	۲	۱	۹
اعزام فرزندان به خارج از کشور جهت ادامه تحصیل	درصد افقی	۳۳/۳	۳۳/۳	۲۲/۲	۱۱/۱	۱۰۰
افتتاح حساب پس انداز و تقویت مستمر آن به نام فرزندان	درصد افقی	۱۷/۶	۲۵	۲۰	۲۰	۲۰/۴
زندگی بدون علاقه بایکدیگر صرفاً به خاطر داشتن فرزند	تعداد	۳	۳	۳	۱	۱۰
ادامه تحصیل	درصد افقی	۳۰	۳۰	۳۰	۱۰	۱۰۰
پس انداز و تقویت مستمر آن به نام فرزندان	درصد کل	۱۷/۶	۲۵	۳۰	۲۰	۲۲/۷
علاقه بایکدیگر صرفاً به خاطر داشتن فرزند	تعداد	۲	۲	۲	۱	۷
افتتاح حساب پس انداز و تقویت مستمر آن به نام فرزندان	درصد افقی	۲۸/۵	۲۸/۵	۲۸/۵	۱۴/۲	۱۰۰
زندگی بدون علاقه بایکدیگر صرفاً به خاطر داشتن فرزند	درصد کل	۱۱/۷	۱۶/۶	۲۰	۵	۱۵/۹
علاقه بایکدیگر صرفاً به خاطر داشتن فرزند	تعداد	۹	۴	۳	۲	۱۸
علاقه بایکدیگر صرفاً به خاطر داشتن فرزند	درصد افقی	۵۰	۲۲/۲	۱۶/۶	۱۱/۱	۱۰۰
علاقه بایکدیگر صرفاً به خاطر داشتن فرزند	درصد کل	۵۲/۹	۳۳/۳	۳۰	۴۰	۴۰/۹
علاقه بایکدیگر صرفاً به خاطر داشتن فرزند	تعداد	۱۷	۱۲	۱۰	۵	۴۴
کل	درصد کل	۳۸/۶	۲۷/۲	۲۲/۷	۱۱/۴	۱۰۰

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود در کل ۴۴ داستان در ۴ مجله به صورت صریح نمایانگر مقوله ۱ فرزندسالاری (نگرانی والدین نسبت به آینده فرزندان) و ۴ شاخصه تعریف شده برای آن در این تحقیق می‌باشد. از میان شاخص‌ها نیز شاخص زندگی بدون علاقه با یکدیگر صرفاً به خاطر داشتن فرزندان ۴۰/۹ درصد، بیشترین و افتتاح حساب پس‌انداز و تقویت مستمر آن به نام فرزندان با ۱۵/۹ درصد، کمترین داستان‌ها را در این مقوله به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره (۲): نمود ضمنی شاخصه‌های مقوله نگرانی والدین نسبت به آینده فرزندان در داستان‌های مجلات خانوادگی

شاخصه‌های مقوله ۱ فرزندسالاری (نگرانی والدین نسبت به آینده فرزندان)	فراوانی	مجله خانواده	خانواده سبز	راه زندگی	زندگی ایده آل	کل
ثبت نام فرزندان	تعداد	۴	۳	۲	۱	۱۰
درکلاس‌های تقویتی	درصد افقی	۴۰	۳۰	۲۰	۱۰	۱۰۰
وفوق برنامه	درصد کل	۱۳/۷	۱۱/۱	۱۳/۳	۱۱/۱	۱۲/۵
اعزام فرزندان به خارج از کشور جهت ادامه تحصیل	تعداد	۳	۲	۴	۱	۱۰
افتتاح حساب پس‌انداز و تقویت مستمر آن به نام فرزندان	درصد افقی	۳۰	۲۰	۴۰	۱۰	۱۰۰
زندگی بدون علاقه با یکدیگر صرفاً به خاطر داشتن فرزندان	درصد کل	۱۰/۳	۷/۴	۲۶/۶	۱۱/۱	۱۲/۵
بایکدیگر صرفاً به خاطر داشتن فرزندان	تعداد	۳	۲	۱	۲	۸
بیشترین و افتتاح حساب پس‌انداز و تقویت مستمر آن به نام فرزندان	درصد افقی	۳۷/۵	۲۵	۱۲/۵	۲۵	۱۰۰
کمترین داستان‌ها را در این مقوله به خود اختصاص داده‌اند.	درصد کل	۱۰/۳	۷/۴	۶/۶	۲۲/۲	۱۰
	تعداد	۱۹	۲۰	۸	۵	۵۲
	درصد افقی	۳۶/۵	۳۸/۴	۱۵/۳	۹/۶	۱۰۰
	درصد کل	۶۵/۵	۷۴	۵۳/۳	۵۵/۵	۶۵
	تعداد	۲۹	۲۷	۱۵	۹	۸۰
	درصد کل	۳۶/۲	۳۳/۷	۱۸/۷	۱۱/۲	۱۰۰

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود در کل ۸۰ داستان در ۴ مجله به صورت ضمنی نمایانگر مقوله ۱ فرزندسالاری (نگرانی والدین نسبت به آینده فرزندان) و ۴ شاخصه تعریف شده برای آن در این تحقیق می‌باشد. از میان شاخص‌ها نیز شاخص زندگی بدون علاقه با یکدیگر صرفاً به خاطر داشتن فرزند با ۶۵ درصد، بیشترین و افتتاح حساب پس‌انداز و تقویت مستمر آن به نام فرزندان با ۱۰ درصد، کمترین داستان‌ها را در این مقوله به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره (۳): نمود صریح شاخصه‌های مقوله نگرش ابزاری به والدین توسط فرزندان در داستان‌های مجلات خانوادگی

شاخصه‌های مقوله ۲ فرزندسالاری (نگرش ابزاری به والدین توسط فرزندان)	فراوانی	مجله خانواده	خانواده سبز	راه زندگی	زندگی ایده آل	کل
موظف دانستن والدین به ویژه پدرازسوی فرزندان	تعداد	۴	۵	۲	۱	۱۲
	درصد افقی	۳۳/۳	۴۰/۱	۱۶/۶	۸/۳	۱۰۰

۳۵/۲	۲۰	۲۸/۵	۵۵/۵	۳۰/۷	درصد کل	به تامین پول توجیبی کافی
۱۱	۲	۳	۲	۴	تعداد	موظف دانستن والدین به ویژه
۱۰۰	۱۸/۱	۲۷/۲	۱۸/۱	۳۶/۳	درصد افقی	پدرزاسوی فرزندان
۳۲/۳	۴۰	۴۲/۸	۲۲/۲	۳۰/۷	درصد کل	به تامین مخارج تحصیل
۵	۱	۱	۱	۲	تعداد	موظف دانستن والدین به ویژه
۱۰۰	۲۰	۲۰	۲۰	۴۰	درصد افقی	پدرزاسوی فرزندان
۱۴/۷	۲۰	۱۴/۲	۱۱/۱	۱۵/۳	درصد کل	به تامین جهیزیه ومسکن
۶	۱	۱	۱	۳	تعداد	موظف دانستن والدین به ویژه
۱۰۰	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۵۰	درصد افقی	پدرزاسوی فرزندان
۱۷/۶	۲۰	۱۴/۲	۱۱/۱	۲۳	درصد کل	به تامین ارثیه کافی
۳۴	۵	۷	۹	۱۳	تعداد	کل
۱۰۰	۱۴/۷	۲۰/۵	۲۶/۴	۳۸/۲	درصد کل	

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود در کل ۳۴ داستان در ۴ مجله به صورت صریح نمایانگر مقوله ۲ فرزندسالاری (نگرش ابزاری به والدین توسط فرزندان) و ۴ شاخصه تعریف شده برای آن در این تحقیق می‌باشد. از میان شاخص‌ها نیز شاخص موظف دانستن والدین به ویژه پدر از سوی فرزندان به تامین پول توجیبی کافی با ۳۵/۲ درصد، بیشترین و موظف دانستن والدین به ویژه پدر از سوی فرزندان به تامین جهیزیه و مسکن با ۱۴/۷ درصد، کمترین داستان‌ها را در این مقوله به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره (۴): نمودار ضمنی شاخصه‌های مقوله نگرش ابزاری به والدین توسط فرزندان در داستان‌های مجلات خانوادگی

کل	زندگی ایده آل	راه زندگی	خانواده سبز	مجله خانواده	فراوانی	شاخصه‌های مقوله ۲ فرزندسالاری (نگرش ابزاری به والدین توسط فرزندان)
۲۳	۳	۴	۹	۷	تعداد	موظف دانستن والدین به ویژه پدرزاسوی فرزندان
۱۰۰	۱۳	۱۷/۳	۳۹/۱	۳۰/۴	درصد افقی	به تامین پول توجیبی کافی
۳۳/۸	۲۷/۲	۳۰/۷	۴۰/۹	۳۱/۸	درصد کل	
۱۹	۳	۵	۶	۵	تعداد	موظف دانستن والدین به ویژه پدرزاسوی فرزندان
۱۰۰	۱۵/۷	۲۶/۳	۳۱/۵	۲۶/۲	درصد افقی	به تامین مخارج تحصیل
۲۷/۹	۲۷/۲	۳۸/۴	۲۷/۲	۲۲/۷	درصد کل	
۱۵	۲	۲	۵	۶	تعداد	موظف دانستن والدین به ویژه پدرزاسوی فرزندان
۱۰۰	۱۳/۳	۱۳/۳	۳۳/۳	۴۰	درصد افقی	به تامین جهیزیه ومسکن
۲۲	۱۸/۱	۱۵/۳	۲۲/۷	۲۷/۲	درصد کل	
۱۱	۳	۲	۲	۴	تعداد	موظف دانستن والدین به ویژه پدرزاسوی فرزندان
۱۰۰	۲۷/۲	۱۸/۱	۱۸/۱	۳۶/۳	درصد افقی	
۱۶/۱	۲۷/۲	۱۵/۳	۹	۱۸/۱	درصد کل	به تامین ارثیه کافی
۶۸	۱۱	۱۳	۲۲	۲۲	تعداد	کل
۱۰۰	۱۶/۱	۱۹/۱	۳۲/۳	۳۲/۳	درصد کل	

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود در کل ۶۸ داستان در ۴ مجله به صورت ضمنی نمایانگر مقوله ۲ فرزندسالاری (نگرش ابزاری به والدین توسط فرزندان) و ۴ شاخصه تعریف شده برای آن در این تحقیق می‌باشد. از میان شاخص‌ها نیز شاخص موظف دانستن والدین به ویژه پدر از سوی فرزندان به تامین پول توجیبی کافی با ۳۳/۸ درصد بیشترین و موظف دانستن والدین به ویژه پدر از سوی فرزندان به تامین ارثیه کافی با ۱۶/۱ درصد کمترین داستان‌ها را در این مقوله به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره (۵): نمود صریح شاخصه‌های مقوله چشمپوشی والدین از نیازهای خود در داستان‌های مجلات خانوادگی

کل	زندگی ایده آل	راه زندگی	خانواده سبز	مجله خانواده	فراوانی	شاخصه‌های مقوله ۳ فرزندسالاری (چشمپوشی والدین از نیازهای خود)
۱۲	۱	۲	۴	۵	تعداد	ارجحیت تامین پوشاک مناسب و به
۱۰۰	۸/۳	۱۶/۶	۳۳/۳	۴۱/۶	درصد افقی	روز برای فرزندان نسبت به خودشان
۱۷/۹	۲۵	۲۲/۲	۱۷/۳۹	۲۳/۸	درصد کل	
۱۹	۱	۳	۸	۷	تعداد	ارجحیت تامین امکانات الکترونیکی برای
۱۰۰	۵/۲	۱۵/۷	۴۲/۱	۳۶/۸	درصد افقی	فرزندان نسبت به خودشان
۲۹/۸	۲۵	۳۳/۳	۳۴/۷	۳۳/۳	درصد کل	
۲۰	۱	۳	۹	۷	تعداد	ارجحیت تامین امکانات ادامه تحصیل
۱۰۰	۵	۱۵	۴۵	۳۵	درصد افقی	برای فرزندان نسبت به خودشان
۲۹/۸	۲۵	۳۳/۳	۳۹/۱	۳۳/۳	درصد کل	
۶	۱	۱	۲	۲	تعداد	ارجحیت تامین سلامت جسمی و روانی
۱۰۰	۱۶/۶	۱۶/۶	۳۳/۳	۳۳/۳	درصد افقی	برای فرزندان نسبت به خودشان
۸/۹	۲۵	۱۱/۱	۸/۶	۹/۵	درصد کل	
۶۷	۴	۹	۲۳	۲۱	تعداد	کل
۱۰۰	۵/۹	۱۳/۴	۳۴/۳	۳۱/۳	درصد کل	

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود در کل ۳۴ داستان در ۴ مجله به صورت صریح نمایانگر مقوله ۳ فرزندسالاری (چشمپوشی والدین از نیازهای خود) و ۴ شاخصه تعریف شده برای آن در این تحقیق می‌باشد. از میان شاخص‌ها نیز ارجحیت تامین امکانات الکترونیکی برای فرزندان نسبت به خودشان با ۲۹/۸ درصد بیشترین و ارجحیت تامین سلامت جسمی و روانی برای فرزندان نسبت به خودشان ۸/۹ درصد کمترین داستان‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره (۶): نمود ضمنی شاخصه‌های مقوله چشمپوشی والدین از نیازهای خود در داستان‌های مجلات خانوادگی

کل	زندگی ایده آل	راه زندگی	خانواده سبز	مجله خانواده	فراوانی	شاخصه‌های مقوله ۳ فرزندسالاری (چشمپوشی والدین از نیازهای خود)
۱۷	۲	۳	۶	۶	تعداد	ارجحیت تامین پوشاک مناسب و به

۱۰۰	۱۱/۷	۱۷/۶	۳۵/۲	۳۵/۲	درصد افقی	روزبرای
۲۸/۸	۲۵	۲۷/۲	۳۷/۵	۲۵	درصد کل	فرزندان نسبت به خودشان
۱۷	۲	۲	۴	۹	تعداد	ارجحیت تامین امکانات الکترونیکی
۱۰۰	۱۱/۷	۱۱/۷	۲۳/۵	۵۲/۹	درصد افقی	برای فرزندان نسبت به خودشان
۳۰/۸	۲۵	۱۸/۱	۲۵	۳۷/۵	درصد کل	
۲۰	۳	۴	۵	۸	تعداد	ارجحیت تامین امکانات
۱۰۰	۱۵	۲۰	۲۵	۲۰	درصد افقی	ادامه تحصیل برای فرزندان نسبت به خودشان
۳/۳	۳۷/۵	۳۶/۳	۳۱/۲	۳۳/۳	درصد کل	
۵	۱	۲	۱	۱	تعداد	ارجحیت تامین سلامت جسمی و روانی
۱۰۰	۲۰	۱۰	۲۰	۲۰	درصد افقی	برای فرزندان نسبت به خودشان
۸/۴	۱۲/۵	۱۸/۱	۶/۲	۴/۱	درصد کل	
۵۹	۸	۱۱	۱۶	۲۴	تعداد	کل
۱۰۰	۱۳/۵	۱۸/۶	۲۷/۱	۴۰/۶	درصد کل	

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود در کل ۵۹ داستان در ۴ مجله به صورت ضمنی نمایانگر مقوله ۳ فرزندسالاری (چشمپوشی والدین از نیازهای خود) و ۴ شاخصه تعریف شده برای آن در این تحقیق می‌باشد. از میان شاخص‌ها نیز شاخص ارجحیت تامین امکانات الکترونیکی برای فرزندان نسبت به خودشان با ۳۰/۸ درصد بیشترین و ارجحیت تامین سلامت جسمی و روانی برای فرزندان نسبت به خودشان ۸/۴ درصد کمترین داستان‌ها را در این مقوله به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره (۷): نمود صریح شاخصه‌های مقوله هدایت اختلافات والدین توسط فرزندان در داستان‌های مجلات خانوادگی

کل	زندگی ایده آل	راه زندگی	خانواده سبز	مجله خانواده	فراوانی	شاخصه‌های مقوله ۴ فرزندسالاری (هدایت اختلافات والدین توسط فرزندان)
۹	۱	۲	۱	۴	تعداد	نقش میانجی‌گری فرزندان
۱۰۰	۱۱/۱	۲۲/۲	۱۱/۱	۴۴/۴	درصد افقی	در اختلافات والدین
۴۱	۳۳/۳	۴۰	۲۰	۴۴/۴	درصد کل	
۱۳	۲	۳	۴	۵	تعداد	جانبداری فرزند یا فرزندانش
۱۰۰	۱۵/۳	۲۳	۳۰/۷	۳۸/۴	درصد افقی	از یکی از والدین
۵۹	۶۶/۶	۶۰	۸۰	۵۵/۵	درصد کل	
۲۲	۳	۵	۵	۹	تعداد	کل
۱۰۰	۱۳/۶	۲۲/۷	۲۲/۷	۴۰	درصد کل	

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود در کل ۲۲ داستان در ۴ مجله به صورت صریح نمایانگر مقوله ۵ فرزندسالاری (هدایت اختلافات والدین توسط فرزندان) و ۲ شاخصه تعریف شده برای آن در این تحقیق می‌باشد. از میان شاخص‌ها نیز شاخص جانبداری فرزند یا فرزندانش از والدین با ۵۹ درصد، بیشترین داستان‌ها را در این مقوله به خود اختصاص داده است.

جدول شماره (۸): نمودارهای شاخصه‌های مقوله هدایت اختلافات والدین توسط فرزندان در استان‌های مجلات خانوادگی

شاخصه‌های مقوله ۴ فرزندسالاری (هدایت اختلافات والدین توسط فرزندان)	فراوانی	مجله خانواده	خانواده سبز	راه زندگی	زندگی ایده آل	کل
نقش میانجی‌گری فرزندان	تعداد	۵	۷	۵	۴	۲۱
دراختلافات والدین	درصد افقی	۲۳/۸	۳۳/۳	۲۳/۸	۱۹	۱۰۰
	درصد کل	۴۵/۴	۵۸/۳	۵۵/۵	۶۶/۶	۴۴/۷
جانبداری فرزندیا فرزندان	تعداد	۸	۶	۶	۳	۲۳
از یکی از والدین	درصد افقی	۵۴/۵	۳۹/۴	۳۹/۵	۱۱/۷	۱۰۰
	درصد کل	۵۴/۵	۴/۶	۴۴/۴	۳۳/۳	۵۵/۳
کل	تعداد	۱۱	۱۲	۹	۶	۳۸
	درصد کل	۲۸/۹	۳۱/۵	۲۳/۶	۱۵/۷	۱۰۰

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود در کل ۳۸ استان در ۴ مجله به صورت ضمنی نمایانگر مقوله ۵ فرزندسالاری (هدایت اختلافات والدین توسط فرزندان) و ۲ شاخصه تعریف شده برای آن در این تحقیق می‌باشد. از میان شاخص‌ها نیز شاخص جانب‌داری فرزندیا فرزندان از یکی از والدین با ۵۵/۳ درصد، بیشترین استان‌ها را در این مقوله به خود اختصاص داده است.

جدول شماره (۹): نمودارهای شاخصه‌های مقوله تفاوت ارزش‌های والدین و فرزندان در استان‌های مجلات خانوادگی

شاخصه‌های مقوله ۵ فرزندسالاری (تفاوت ارزش‌های والدین و فرزندان)	فراوانی	مجله خانواده	خانواده سبز	راه زندگی	زندگی ایده آل	کل
ارجحیت ارزش‌های موردنظر فرزندان بر ارزش‌های درون خانواده نسبت به خودشان	تعداد	۲	۲	۱	۲	۷
	درصد افقی	۲۸/۵	۲۸/۵	۱۴/۲	۲۸/۵	۱۰۰
	درصد کل	۵۰	۳۳/۳	۳۳/۳	۶۶/۶	۴۳/۷
ارجحیت جایگاه فرزندان بر والدین	تعداد	۲	۴	۲	۱	۹
در خانواده‌های ناقص (تک والد)	درصد افقی	۲۲/۲	۴۴/۴	۲۲/۲	۱۱/۱	۱۰۰
	درصد کل	۵۰	۶۶/۶	۶۶/۶	۶۶/۶	۳۳/۳
کل	تعداد	۴	۶	۳	۳	۱۶
	درصد کل	۲۵	۳۷/۵	۱۸/۷	۱۸/۷	۱۰۰

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود در کل ۱۶ استان در ۴ مجله به صورت صریح نمایانگر مقوله ۶ فرزندسالاری (تفاوت ارزش‌های والدین و فرزندان) و ۲ شاخصه تعریف شده برای آن در این تحقیق می‌باشد. از میان شاخص‌ها نیز شاخص ارجحیت ارزش‌های مورد نظر فرزندان بر ارزش‌های درون خانواده نسبت به خودشان با ۴۳/۷ درصد، بیشترین استان‌ها را در این مقوله به خود اختصاص داده است.

جدول شماره (۱۰): نمودارهای شاخصه‌های مقوله تفاوت ارزش‌های والدین و فرزندان در داستان‌های مجلات خانوادگی

شاخصه‌های مقوله ۵ فرزندسالاری (تفاوت ارزش‌های والدین و فرزندان)	فراوانی	مجله خانواده	خانواده سبز	راه زندگی	زندگی ایده آل	کل
ارجحیت ارزش‌های موردنظر	تعداد	۶	۴	۳	۲	۱۵
فرزندان بر ارزش‌های درون خانواده نسبت به خودشان	درصدافقی	۴۰	۲۶٫۶	۲۰	۱۳٫۳	۱۰۰
ارجحیت جایگاه فرزندان بر والدین	درصد کل	۶۰	۵۷٫۱	۶۰	۵۰	۵۷٫۶
در خانواده‌های ناقص (تک والد)	تعداد	۴	۳	۲	۲	۱۱
	درصدافقی	۳۶٫۳	۲۷٫۲	۱۸٫۱	۱۸٫۱	۱۰۰
	درصد کل	۴۰	۴۲٫۸	۴۰	۵۰	۴۲٫۳
کل	تعداد	۱۰	۷	۵	۴	۲۶
	درصد کل	۳۸٫۴	۲۶٫۹	۱۹٫۲	۱۵٫۳	۱۰۰

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود در کل ۱۶ داستان در ۴ مجله به صورت ضمنی نمایانگر مقوله ۶ فرزندسالاری (تفاوت ارزش‌های والدین و فرزندان) و ۲ شاخصه تعریف شده برای آن در این تحقیق می‌باشد. از میان شاخص‌ها نیز شاخص ارجحیت ارزش‌های مورد نظر فرزندان بر ارزش‌های درون خانواده نسبت به خودشان ۵۷٫۶ درصد، بیشترین داستان‌ها را در این مقوله به خود اختصاص داده است.

بحث و نتیجه‌گیری

- در بین شاخصه‌های مقوله ۱ فرزندسالاری (نگرانی والدین نسبت به آینده فرزندان)، شاخصه زندگی بدون علاقه با یکدیگر صرفاً به خاطر داشتن فرزند، بیشترین و افتتاح حساب پس‌انداز و تقویت مستمر آن به نام فرزندان، کمترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند.
- در بین شاخصه‌های مقوله ۲ فرزندسالاری (نگرش ابزاری به والدین توسط فرزندان)، شاخصه موظف دانستن والدین به ویژه پدر از سوی فرزندان به تامین پول توجیبی کافی، بیشترین و موظف دانستن والدین به ویژه پدر از سوی فرزندان به تامین ارثیه کافی، کمترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند.
- در بین شاخصه‌های مقوله ۳ فرزندسالاری (چشمپوشی والدین از نیازهای خود)، شاخص ارجحیت تامین امکانات الکترونیکی برای فرزندان نسبت به خودشان، بیشترین و ارجحیت تامین سلامت جسمی و روانی برای فرزندان نسبت به خودشان، کمترین داستان‌ها را در این مقوله به خود اختصاص داده‌اند.
- در بین شاخصه‌های مقوله ۵ فرزندسالاری (هدایت اختلافات والدین توسط فرزندان)، شاخص جانب‌داری فرزند یا فرزندان از یکی از والدین، بیشترین داستان‌ها را در این مقوله به خود اختصاص داده است.
- در بین شاخصه‌های مقوله ۶ فرزندسالاری (تفاوت ارزش‌های والدین و فرزندان)، شاخص ارجحیت ارزش‌های مورد نظر فرزندان بر ارزش‌های درون خانواده نسبت به خودشان، بیشترین داستان‌ها را در این مقوله به خود اختصاص داده است.
- استرایکر می‌گوید که انسان‌ها از طریق کنش متقابل یاد می‌گیرند که دیگران انتظار چه نوع رفتاری از آنان را دارند. تصویری که دیگران از فرد به او می‌دهند، بر کنش‌های او تأثیر می‌گذارد. هرگاه فرزندان

طی فرایندهای کنش متقابل احساس کنند والدین جایگاهی بیش از پیش برای آنان قائلند و نگرانی ویژه و بیش از حدی در مورد آینده آنان دارند، بر اساس همان نوع تصویر که به او می‌دهند عمل خواهند کرد. طبق نظر استرایکر و ویلن اگر رابطه دوستانه‌ی والدین با فرزندان از حدود خود خارج شود، عمل تربیت دچار نقصان می‌گردد. بدین ترتیب، کودکان شروع به تربیت کردن والدین می‌کنند و دیگر صحبتی از اطاعت و حرف شنوی در بین نخواهد بود. اگر فرزند عادت کند که خواسته‌ها و احتیاجات خود را ارضا نماید و توجهی به خواسته‌ها و احتیاجات سایر اعضای خانواده نداشته باشد موجودی تکرو بار خواهد آمد. والدینی که به بهانه معنی بخشیدن به زندگی خود یا حفظ سعادت خانوادگی هیچ چیز را از فرزندان خویش دریغ نمی‌کنند و از ترس آزردن فرزند و از دست دادن محبت وی حتی حکومت خانه را به آنان می‌سپارند، باعث می‌شوند که این قبیل کودکان با علم به تشنگی والدین به محبت کردن پیوسته، از این عطش، سوء استفاده کنند و به صورت ستمگران مستبدي در آیند که همه افراد خانواده باید غلام حلقه به گوش آنان شوند به زعم ویلن؛ آن چه که انسان امروزی را به جنبش وادار می‌دارد، وابستگی او به پس‌انداز و داد و ستد نیست، بلکه میل به پیشی گرفتن از دیگران، او را به تکاپو وامی‌دارد. تلاش انسان برای رهایی از محرومیت، بر چگونگی شکل‌گیری معانی و مناسبات و روابط (کنش متقابل) تأثیر قابل توجهی می‌گذارد. وقتی یک رفتار یا طرز تفکر تبدیل به ارزش شود، افراد برای دستیابی به این ارزش جدید حاضرند هزینه‌های متفاوتی را متحمل شوند و حتی دست به تغییرات اساسی در خانواده (ساختاری و نقشی) بزنند. مثلاً در گذشته فرزند و مخصوصاً پسر به منزله نان‌آور بود، چه کشاورز و دامدار و چه کاسب. پسرها از بچگی نزد پدر کار می‌کردند و اصولاً این که بچه‌ای برای خانواده خود خرج داشته باشد، پذیرفته نبود. از نظر همه، بچه نیروی کار خانواده بود و بچه‌ای خوب بود که بیشتر کار کند. اما امروزه والدین حاضرند برای این که فرزندان‌شان ادامه تحصیل دهند، فشار مالی زیادی را متحمل شوند و مادر در خارج از منزل مشغول به کار شود تا از هزینه کلاس زبان بچه‌ها گرفته تا دیگر هزینه‌های بالای کلاس‌های کنکور آنان تأمین شود و در صورت امکان، او را به خارج بفرستند.

هم‌چنین از نظر مِرتن، انسان‌ها معیارهای دیگران مهم را به منزله مبنای ارزیابی از خود به کار می‌برند. چنانچه خانواده کارکرد کمتری در اجتماع داشته باشد، گروه همسالان نیرومندتر می‌شود و جای خانواده را پر می‌کند. به بیان دیگر، هر گاه و به هر نسبت فرد گروه مرجع و دیگران مهم خارج از خانواده داشته باشد و در عین حال خانواده کارکرد خود را حفظ کند، حلقه‌ی اتصال و پیوستگی میان فرد با خانواده سست‌تر و با دیگر گروه‌ها محکم‌تر می‌شود. والدینی در اجتماعی کردن موفق بوده‌اند که فرزندان هم‌جهت با ارزش‌های خود تربیت کرده باشند. در صورت عدم موفقیت والدین، می‌توان گفت که فرزندان آن‌ها در جریان نسل‌ها به جایی رسیده‌اند که با ارزش‌های آنان همسو نبوده است. در خصوص گروه مرجع و دیگران مهم، به نکته دیگری می‌توان اشاره کرد. افراد حساس هنگامی احساس ارزش‌مندی می‌کنند که ارزیابی دیگران از آنان مثبت باشد، یعنی انعکاس ارزیابی دیگران، احساس ارزش‌مند بودن را

در آنان بیافریند. مثلاً اگر دیگران یک جایگاه بالای اجتماعی (مثلاً مدیر کل یک وزارتخانه) را در حد توان و لیاقت او ارزیابی کنند، بر اساس ارزیابی مذکور، او نیز ارزیابی مثبت از خود را توسعه خواهد داد و بدین‌گونه شخص متقاعد می‌شود که او واقعاً سزاوار کسب آن موضع اجتماعی مساعد بوده است و آن را حق خود می‌پندارد. در نهایت دلایل زیر را می‌توان به عنوان مهم‌ترین دلایل بروز این پدیده در این مقاله عنوان نمود: جوابگویی نامناسب به نیازهای بچه‌ها، برون‌ریزی خواسته‌های سرکوب شده، مشغله زیاد والدین، الگوبرداری بچه‌ها از والدین، دگرگونی ارزش‌ها و مجموعه عوامل، نابرابری سطح تحصیلات والدین با فرزندان، ضعف اخلاقی در درون خانواده.

- کالاهای جدید و لوکس اکثراً مورد توجه و علاقه نسل جوان (فرزندان) قرار می‌گیرد تا والدین. به نظر وبلن مصرف چشمگیر، تن‌آسایی چشمگیر و نمایش چشمگیر و وجود مقام‌ها، ارزش‌ها و وسایلی که عنوان بلندپایگی را با خود دارند، وسایلی هستند که انسان‌ها با آن‌ها می‌کوشند تا در چشم اطرافیان‌شان برتر جلوه کنند و در ضمن برای خودشان نیز ارزش بیشتری قائل می‌شوند. بنابراین برای رونق دادن به بازار مصرف، بایستی تقاضای نسل جوان را بالاتر برد و چون نسل جوان اکثراً از لحاظ مالی وابسته به والدینند، در صورتی می‌توانند تقاضای کالاهای لوکس باشند که قدرت خارج نمودن پول از کیف والدین و سرازیر نمودن آن به بازار را داشته باشند. این کار موقعی امکان‌پذیرتر است که فرزندان سالاری بیشتری بر والدین داشته باشند. به همین علت فرزندسالاری در رسانه‌ها و مجلات ترویج می‌شود، زیرا از سوی دیگر همان کالاها توسط همین مجلات با اخذ کارمزد قابل توجهی تبلیغ می‌شوند.

- باتوجه به این که مخاطبان عمده مجلات، نوجوانان و جوانان می‌باشند و بازار تقاضای این مجلات رابطه مستقیمی با رضایت این گروه‌های سنی دارد، بایستی مطالبی تهیه و ارائه شود که خوشایند این گروه‌ها بوده و تقاضا برای خرید مجلات را بالا ببرد.

- داستان‌های سریالی در بعضی از مجلات رابطه مستقیمی با افزودن بر میزان تقاضا نزد مخاطبان دارد. زیرا مخاطبان برای اطلاع از نتیجه داستان مجبور هستند هفته‌های متوالی آن را خریداری نمایند.
- شاید بتوان گفت بیش از آن که اشاعه فرزندسالاری هدفی در جهت تغییرات اجتماعی باشد اهدافی اقتصادی را دنبال می‌کند.

- صرف‌نظر از هر نیتی که پشت پرده وجود داشته باشد، بطور کلی می‌توان گفت: در داستان‌های مجلات خانوادگی ایران، به ویژه مجلات منتشر شده بین سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، ابعاد فرزندسالاری، به صورت صریح یا ضمنی ترویج شده است. فرزندسالاری در این مجلات البته همانند بسیاری از رسانه‌ها و عوامل اثرگذار دیگر معلول تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است.

- این تحقیق و تحقیقات مشابه می‌توانند با شناخت جامعه مورد مطالعه، مخصوصاً ارزش‌ها و توقعات و انتظارات نسل جوان، مسئولین فرهنگی و اجرایی را در فراهم نمودن امکانات لازم در جهت برنامه

- ریزی‌های مناسب برای این قشر از جامعه یاری نمایند. مسلماً ارزش‌ها و معیارهای نسل جوان در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی انسان می‌توانند نقش زیادی در حل تعارضات فرزندان و والدین داشته باشند.
- گسترش مراکز اوقات فراغت که در آن‌ها جوانان و بزرگسالان بتوانند در کنار یکدیگر به گذران اوقات بیکاری پرداخته و در تعامل با یکدیگر به فعالیت‌های گوناگون ورزشی، تفریحی، هنری و فرهنگی بپردازند، می‌تواند موجب تقریب افکار و عقاید آن‌ها شود و تفاهم و درک متقابل ارزش‌ها و خواسته‌های آن‌ها را به همراه داشته باشد.
- استفاده هرچه بیشتر از رسانه‌ها به ویژه تلویزیون به عنوان رسانه‌ای فراگیر در تهیه و اجرای برنامه‌های گفتگو و مناظره بین دین و فرزندان می‌تواند در این زمینه بسیار تأثیرگذار باشد.
- بالا رفتن سطح معلومات و دانش والدین در حدی که بتوانند با فرزندان خود در مسایل درگیر، با منطق و استدلال سخن بگویند و حداقل یافته‌ها و نظرات تجربه شده خویش را با زبانی قابل قبول و مناسب با آنان در میان بگذارند، کمک بسیاری به تحکیم موقعیت آنان نزد فرزندان خواهد کرد.
- تحلیل محتوای رسانه‌ها (به ویژه مجلات) زمینه‌ای تقریباً بکر و قابل تامل جامعه‌شناختی می‌باشند و می‌توان با تحلیل آن‌ها اطلاعات سودمندی به دست آورده و در اختیار مخاطبان تخصصی و حتی عمومی شان قرارداد.
- این تحقیق، ابعاد فرزندسالاری را فقط در داستان‌های خانوادگی مجلات مورد تحلیل قرار داده است. می‌توان همین تحلیل را در مورد آگهی‌های تبلیغاتی، مقالات و ... یا کل محتوای همان مجلات نیز انجام داد.
- این تحقیق، صرفاً ابعاد فرزندسالاری را مورد تحلیل قرار داده است. می‌توان همین تحقیق را در مورد عوامل یا میزان فرزندسالاری در جوامع آماری گوناگون نیز انجام داد.

منابع

- آرون، ر. (۱۳۷۲). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه: ب. پرهام. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- بافکار، ح. (۱۳۹۱). *پدیده فرزندسالاری و رسانه*. تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- جابری، م. (۱۳۷۵). *آموزش و امید به تحرک اجتماعی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- حییم، س. (۱۳۷۴). *فرهنگ لغت یک جلدی*. انتشارات فرهنگ معاصر.
- ریتزر، ج. (۱۳۷۹). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه: م. ثلاثی. تهران: علمی.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۵). *دایره‌المعارف علوم اجتماعی*. تهران: انتشارات کیهان. چاپ اول.
- کوزر، ل. (۱۳۶۸). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. م. ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- محسنی، م. (۱۳۷۹). *بررسی آگاهی‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی در تهران*. انتشارات زهد.
- مقصودی، م. (۱۳۸۶). *انسان‌شناسی خانواده و خویشاوندی*. تهران: شیرازه.
- مهدوی، م. ص. (۱۳۷۴). *عوامل مؤثر بر روابط خانوادگی*. انتشارات مبتکران.